

از «جنبش من هم ایران» چه می‌دانیم؟

مجتبی هاشمی

از «جنبش من هم ایران» چه می‌دانیم؟

مجتبی هاشمی

پیشگفتار

در چند دهه گذشته، با گسترش رسانه‌های اجتماعی، افزایش آگاهی‌های عمومی و توجه به خشونت‌های جنسی علیه زنان، روایت‌هایی از تجاوز و تعرض به زنان در محل کار و مکان‌های عمومی و خصوصی مختلف، مطرح شده‌است.

قربانیان، که برخی از آن‌ها از دوره کودکی، از اثرات روحی آزار و اذیت جنسی رنج برده‌اند، سعی می‌کنند با اطلاع‌رسانی و افشای نام متجاوزین، از تکرار چنین وقایعی از طرف متجاوزان جلوگیری کنند و یا با افشای چنین رفتاری ضد اخلاقی، تجاوز را تنبیه نمایند.

عده‌ای از جامعه‌شناسان معتقدند قدرت گرفتن جنبش‌های فمینیستی و افزایش مطالبه‌گری حقوق زنان هم در ظهور و هم در اثربخشی جنبش می‌تو (Me Too) نقش بزرگی داشته است تا آنجا که این جنبش را جنبشی فمینیستی دانسته‌اند.

با این حال بنا به تحقیقات جامعه‌شناسان در زمینه خشونت و تجاوز جنسی به زنان ایران، همچنان بیش از هشتاد درصد قربانیان این وقایع به دلیل ترس از قضاوت جامعه و نزدیکانشان یا اصطلاحاً حفظ آبرو، یا نفوذ و قدرت متجاوزین و تهدید از طرف آن‌ها، در این رابطه سکوت می‌کنند.

جنبش می‌تو چگونه شکل گرفت؟

عبارت «می‌تو» (Me Too) اولین بار توسط تارانا برک، فعال سیاه‌پوست حوزه زنان در نیویورک آمریکا، در سال ۲۰۰۶ برای روایت یک آزار جنسی مورد استفاده قرار گرفت؛ اما شکل‌گیری آن به عنوان یک جنبش فراگیر علیه آزار و تجاوز جنسی، یازده سال بعد در سال ۲۰۱۷ توسط آلیسا میلانو، تهیه‌کننده و بازیگر معروف آمریکایی، انجام گرفت.^۱

میلانو با استفاده از عبارت می‌تو، افشاگری‌هایی درباره آزار جنسی «هاروی واینستین»، تهیه‌کننده معروف هالیوودی، انجام داد. پس از این افشاگری، زنان دیگری با استفاده از عبارت می‌تو ادعاهای مشابهی مطرح کردند.^۲ در پی این افشاگری‌ها، دادگاه آقای واینستین را محکوم کرد و بسیاری از نشان‌های افتخاری که به او اهدا شده بود، از او پس گرفته شد.

با این حال این جنبش، هدف خود را چیزی فراتر از یک لحظه زودگذر با استفاده از یک هشتگ عنوان کرده و چشم‌انداز این جنبش را تعهد و چشم‌اندازی بزرگ‌تر می‌داند. تارانا برک مؤسس این کمپین درباره اهداف این کمپین گفته است: «MeToo اساساً درباره حمایت بازماندگان توسط بازماندگان و التیام جامعه و اقدام جامعه است.»

«ما اینجا هستیم تا به هر فردی کمک کنیم تا نقطه ورود مناسب برای سفر درمانی منحصر به فرد خود را پیدا کند. همچنین در حال ایجاد پایگاه گسترده ای از بازماندگان هستیم و تلاش می‌کنیم تا سیستم‌هایی را که اجازه می‌دهد خشونت جنسی در جهان ما گسترش یابد، مختل کنیم. این شامل پافشاری بر پاسخگویی از سوی مجرمان، همراه با اجرای راهبردهایی برای حفظ تغییرات بلندمدت و سیستمی است. به طوری که یک روز، هیچ کس مجبور نباشد دوباره بگوید «من هم».

«ما باید درباره نیازهای بازماندگان صحبت کنیم. ما هستیم که باید تعریف کنیم که عدالت چگونه است. بنابراین بخش دیگر این جنبش حول کنش اجتماعی است. ما معتقدیم جامعه را باید حول پایان دادن به خشونت جنسی سازماندهی کرد. کاری که هر روز افراد مختلفی انجام می‌دهند. سازمان‌ها و گروه‌هایی وجود دارند که در راستای این هدف تلاش می‌کنند و من احساس می‌کنم که باید این گفتگو را به موضوع عدالت اجتماعی ارتقا دهیم.»

موفقیت جنبش می‌تو در محکوم کردن فرد متجاوز، باعث شد عبارت «می‌تو» (Me Too) به صورت گسترده توسط فعالین حوزه حقوق زنان به کار گرفته شود و به سرعت در بسیاری از کشورها توسط کاربران مورد استفاده قرار گیرد.

آمارها از تجاوز جنسی در ایران چه می‌گویند؟

به گواه کارشناسان اجتماعی، آمار واقعی آزار و تجاوز جنسی در ایران، بسیار بیش‌تر از آمار رسمی است و البته آمار رسمی در این رابطه بسیار کم منتشر شده است.

به گفته سعید مدنی، «بیشترین میزان تجاوز، طبق گزارش‌ها در استان تهران است. سالانه حدود ۱۶۵۰ جرم جنسی در تهران اتفاق می‌افتد، هرچند برآورد شده که بیش از ۸۰ درصد موارد تجاوز به دلایل مختلف گزارش نمی‌شوند. حمایت از قربانی تجاوز در قانون ایران حداقلی است و هیچ ارزیابی دقیقی از قربانیان تجاوز در کشور نداریم.»

افشاگری تجاوز جنسی پیش از جنبش می‌تو

پیش از آغاز جنبش می‌تو در ایران، افشاگری‌هایی علیه متجاوزین مطرح شده بود ولی معمولاً مسئله تجاوز جنسی در لفافه و با الفاظی همچون «سوءاستفاده» و «رفتارهای غیر اخلاقی» مطرح می‌شد.

پرونده‌هایی وجود داشت که با وجود تحریک احساسات عمومی و واکنش‌های گسترده، نتیجه‌ای در بر نداشتند. از جمله این پرونده‌ها می‌توان به تجاوز «سعید طوسی»، قاری قرآن نزدیک به حاکمیت جمهوری اسلامی در سال ۱۳۹۶ اشاره کرد. این پرونده با وجود شکایت قربانیان و واکنش‌های گسترده، با تبرئه طوسی، مختومه اعلام شد.

سال ۱۳۹۷ نیز ادعای تجاوز «سلمان خدادادی» نماینده ۴ دوره مجلس از طرف «زهرا نویدپور» مطرح شد. به گفته او متهم بعد از تجاوز، او و خانواده‌اش را تهدید به مرگ می‌کرده است. در نهایت دادگاه با وجود اسناد غیر قابل انکار، خدادادی را از اتهام تجاوز جنسی تبرئه کرد و تنها به جرم «ارتباط نامشروع» به دو سال دوری از مشاغل دولتی محکوم شد. خانم نویدپور دو ماه بعد به طرز مشکوکی جان باخت و علت مرگ او خودکشی اعلام شد.

جنبش «من هم» یا «می‌تو» در ایران چطور شکل گرفت؟

به نظر می‌رسد هشتگ MeToo تاکنون حداقل در ۸۵ کشور جهان از جمله هند، پاکستان، بریتانیا و ایران مورد استفاده قرار گرفته است. این کمپین مردم سراسر جهان را تشویق کرده است تا داستان‌های تجاوز جنسی خود را منتشر کنند و نام متجاوزین را افشا کنند. قبل از اینکه جنبش MeToo جهانی شود، بسیاری تصور نمی‌کردند که این جنبش بتواند در سطح جهان به این میزان از گستردگی برسد. ترجمه مستقیم MeToo توسط اسپانیایی زبانان، و عرب زبانان به اشتراک گذاشته شد، در حالی که فعالان در فرانسه و ایتالیا هشتگ‌هایی در راستای بیان نگرش‌های این جنبش ایجاد کردند.

در ایران روایت‌های تجاوز و آزار جنسی سابقه‌ای طولانی دارد ولی استفاده از هشتگ برای افشاگری جنسی با تاثیر از جنبش می‌تو در آمریکا، به تابستان ۱۳۹۹ باز می‌گردد.

همزمان با روز خبرنگار، ویدیویی منتشر شد که در آن تعدادی از خبرنگاران زن، روایت‌هایی از آزار جنسی حین انجام کار مطرح می‌کردند که واکنش‌های گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی برانگیخت. در میان متهمان، افراد با نفوذی همچون نمایندگان مجلس وجود داشتند.

واکنش گسترده به این روایت‌ها باعث شد، چند دانش‌آموز دختر نیز ادعا کنند که توسط یکی از معلمان مدرسه مورد تعرض قرار گرفته‌اند.

در واکنش به این روایت‌ها سخنگوی وقت وزارت آموزش و پرورش شهر تهران گفت این فرد چند سال قبل به صورت نیروی آزاد در برخی مدارس فعالیت می‌کرده است که بنا به دلایلی از همان سال‌ها ورودش به مدارس ممنوع شده است. این دانش‌آموزان چند روز بعد تحت فشار مقامات، علاوه بر حذف توییت‌ها، عذرخواهی کردند.

هشتگ می‌تو چطور به صورت یک کمپین فراگیر تبدیل شد و پیامد آن برای متجاوزین چه بود؟

شهریور ماه ۱۳۹۹ ده‌ها دانشجوی دختر دانشگاه تهران با استفاده از هشتگ می‌تو یا من‌هم، دست به افشای تجاوز جنسی یک دانش‌آموخته دانشگاه تهران، به نام «کیوان امام‌وردی» زدند.

واکنش‌ها به تجاوز سریالی او به قدری زیاد بود که به سرعت دستگیر شد و طی بازجویی به سیصد مورد تجاوز اقرار نمود، در حالی که دادستانی تعداد شاکیان پرونده را سی نفر اعلام کرد. در تیر ۱۴۰۱ امام‌وردی به اتهام «فساد فی الارض» به اعدام محکوم شد. او در دفاع آخرش خود را قربانی جنبش فمینیستی می‌تو دانسته و گفت: «این جنبش در خارج از ایران توسط رسانه‌های معاند نظام رهبری می‌شود و قصد دارد مردان سلبریتی و معروف را بدنام کند.»

پس از افشاگری‌ها درباره کیوان امام‌وردی، بسیاری از کاربران فضای مجازی یک‌دیگر را دعوت به افشاگری در خصوص تجارب خود از آزارهای جنسی کردند؛ رخدادی که از یک یا دو روایت شروع و تبدیل به موج عظیمی از افشاگری‌ها به خصوص در ارتباط با افراد سرشناس شد، اما عملاً هیچ کدام از آن‌ها به موفقیت پرونده اول در محکومیت متهمان دست نیافت.

اندکی پس از ماجرای کیوان امام‌وردی، ادعای تجاوز «آیدین آغداشلو» نقاش سرشناس ایرانی مطرح شد. «سارا امت‌علی» در توییتر با هشتگ می‌تو و من‌هم، مدعی شد در تابستان سال ۱۳۸۵ زمانی که قصد مصاحبه با آقای آغداشلو را داشته مورد آزار جنسی واقع شده است.

امت‌علی در خصوص دلایل علنی کردن این روایت می‌گوید: «تصمیم به علنی کردن موضوع برای من یک اتفاق آبی نبود. به راه افتادن جنبش «می‌تو» در امریکا باعث شد بیشتر درباره مسئله آزار جنسی بخوانم. می‌دیدم که به دلیل محدودیت‌های عرفی و حقوقی در ایران، برخی افراد نمی‌خواهند و نمی‌توانند با هویت واقعی خود از آزاری که دیده‌اند، حرف بزنند و فکر می‌کردم کاش روزی یکی از ما در این باره حرف بزند و دری را باز کند که بقیه هم بگویند.»

پس از این توییت، زنان سرشناس دیگری هم ادعاهای مشابهی درباره تعرض جنسی آغداشلو منتشر کردند. ۴۵ نفر در مصاحبه تلفنی با نیویورک تایمز از سوءرفتارهای آغداشلو با دختران جوان گفتند و پیشرفت شغلی‌شان را به رد یا قبول پیشنهادهای آغداشلو وابسته دانستند.

از آنجایی که آغداشلو چهره شناخته‌شده‌ای بود، واکنش‌ها به افشاگری‌ها علیه او متفاوت بود. او با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام تمامی ادعاها را تکذیب کرد. با این وجود درخواست او برای حذف مقاله نیویورک تایمز رد شد و اکثر کاربران تکذیبیه او را به تمسخر گرفتند. پس از آن نمایشگاه انفرادی آغداشلو هم لغو شد.

با این حال برخلاف پرونده تجاوز امام‌وردی، مقامات رسمی ایران در این خصوص سکوت کردند و هیچ اقدامی در محکومیت قضایی او صورت نگرفت.

پس از آن روایت‌هایی بدون افشای نام قربانیان، در ارتباط با «محسن نامجو»، خواننده سرشناس ایرانی گفته شد. نامجو در واکنش به این اتهامات، جنبش من هم ایران را به خاطر نبود اسامی مسخره کرد، افشاگری‌ها را ناشی از مسائل شخصی دانست و با ارجاع به مضمون ناز و نیاز در ادبیات فارسی، گفت «نه یعنی نه» مال فرهنگ شرقی نیست و در فرهنگ ایرانی «نه یعنی هزار تا چیز». اظهارات نامجو به عقیده بسیاری، زن‌ستیزانه بود و گرچه در

حمایت از این حرکت، ۲۵۵ نفر از فعالان حقوق زن بیانیه‌ای علیه نامجو با عنوان «نه به سلطه‌گری جنسیتی و آزار جنسی» امضا کردند، با این وجود این ادعاها واکنش رسمی در پی نداشت و برخورد قضایی صورت نگرفت.

یکی دیگر از افشاگری‌های می‌تو در ارتباط با «کامیل احمدی»، جامعه‌شناس ایرانی بریتانیایی و پژوهشگر در زمینه ازدواج کودکان، ختنه زنان، و دگرباشان جنسی صورت گرفت. در توییتر و اینستاگرام ادعاهایی با هشتگ می‌تو در مورد آزار جنسی همکاران زن احمدی در جریان انجام پژوهش‌های اجتماعی مطرح شد.

در واکنش به این اتهامات عضویت احمدی در انجمن جامعه‌شناسان لغو شد، همزمان قوه قضاییه به دلیل غیرمرتبط جاسوسی و اقدام علیه امنیت ملی، او را به زندان محکوم کرد. با این حال احمدی توانست از ایران بگریزد. در پی این اتهامات احمدی به دلیل لطمه‌ای که به پژوهش‌های اجتماعی در ایران مخصوصاً در قبال آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه وارد کرده بود، شدیداً مورد انتقاد قرار گرفت.

در راستای موج می‌تو ایرانی که به راه افتاده بود، «آرش علایی»، پژوهشگر ایرانی در حوزه ایدز، نیز مورد اتهام آزار جنسی قرار گرفت. روایت‌هایی از آزار جنسی او منتشر شد که علی‌رغم تکذیب او تحقیقات بی‌بی‌سی نشان می‌داد، در پی اتهامات آزار جنسی، دانشگاه ایالتی نیویورک در آلبانی با لغو همکاری از او خواسته است که دانشگاه را ترک کند.

پرونده شکایت از یکی از مدیران دی‌جی کالا، بزرگترین شرکت فروش اینترنتی در ایران، توسط تعدادی از کارمندان زن این شرکت نیز یکی دیگر از موارد مطرح شده در جنبش می‌تو بوده است. این پرونده علی‌رغم واکنش‌های حمایتی کاربران، در نهایت با عذرخواهی مدیرعامل این شرکت و قول حمایت از حقوق زنان در محل کار، پایان یافت.

شقایق نوروزی یکی از افرادی بود که اوایل شکل‌گیری هشتگ می‌تو از تجربه خودش از خشونت جنسی در پشت صحنه سینمای ایران سخن گفت و پیشنهاد داد تا روایت‌هایی از این دست را در صفحه شخصی اینستاگرامش منتشر کند. پس از آن صفحه اینستاگرام `me_too_movement_iran` را ایجاد کرد و با حمایت گروهی از فعالان فمنیست از زنان خواست روایت خود را از تجاوز جنسی بازگو کنند. خانم نوروزی در مصاحبه با وبسایت همه‌مون گفت: «از ابتدای شکل‌گیری فرآیند روایت‌گری این جنبش در ایران، عدم انتشار نام متهم به آزارگری را خلایی در جنبش می‌دیدم. اگر از این افراد نام‌برده نشود هدف جنبش که ایجاد هزینه برای متهم آزار است اتفاق نمی‌افتد و بازنگری در فرهنگ قربانی‌نکوهی و عدم پاسخگویی افراد در قدرت محقق نخواهد شد. به همین دلیل صفحه می‌تو ایران بعد از مدتی تنها جایی بود روایت‌ها با نام متهم آزارگری منتشر می‌شد.»

کمپین ۸۰۰ زن سینماگر

یکی از جنبش‌هایی که به تازگی با الهام از جنبش می‌تو آغاز شده است، کمپین ۸۰۰ زن سینماگر است. افشاگری‌های در رابطه با آزار جنسی در سینما زمانی آغاز شد که در فروردین ۱۴۰۱، سمیه میرشمسی، دستیار کارگردان، اتهامی علیه فرهاد اصلانی، بازیگر شناخته‌شده ایرانی مطرح کرد.

در پی طرح این اتهام، بیش از ۵۰۰ نفر از زنان سینماگر در بیانیه‌ای بی‌سابقه، با تأیید وجود خشونت سیستماتیک علیه زنان در سینمای ایران، خواستار برخورد قانونی با متخلفان شدند.

گرچه در ابتدا این حرکت به شکل یک کمپین صورت نگرفت، با گسترش آن، کمیته‌ای مستقل برای پیگیری مطالبات به وجود آمد که اعضای اصلی آن با رای‌گیری، ۵ نفر (ترانه علیدوستی، سمیه میرشمسی، غزاله معتمد، هانیه توسلی، مارال جیرانی) از زنان سینماگر انتخاب شدند.

این شاید اولین بار بوده است که زنان توانسته‌اند واکنش به یک ناهنجاری فرهنگی متاثر از قدرت را از مرحله اعتراض و تجمع به پیشنهادی اجرایی تبدیل کنند.

اهداف کمپین ۸۰۰ زن سینماگر

این کمپین در مرداد ۱۴۰۱ در صفحه اینستاگرام خود اعلام کرد که با همکاری یک تیم حقوقی «آیین‌نامه منع خشونت جنسی/جنسیتی علیه زنان سینما و تئاتر» تهیه کرده که هدف اصلی آن ایجاد کمیته‌ای مستقل در خانه سینما و تئاتر برای رسیدگی به شکایات زنان فعال در این حوزه در ارتباط با خشونت جنسی و جنسیتی و ایجاد امنیت شغلی است.

محورهای اصلی بیانیه بر این سه موضوع متمرکز است:

۱. طرح اعتراض و محکوم کردن خشونت سیستماتیک، قلدری، تهدید، توهین و تحقیر و تعرض به زنان
۲. تشکیل کمیته‌ای برای رسیدگی به جرایم جنسی و جنسیتی در عرصه سینما و ایجاد سازوکار حمایت از خشونت‌دیدگان
۳. آرزوی تحقق محیط امن شغلی برای زنان به دور از خشونت و باج‌گیری جنسی.

هائیه توسلی از اعضای کمیته مستقل درباره هدف این کمپین گفته است: «هدف ما این بود که بگوییم مشکلی داریم و می‌خواهیم فضای کاری‌مان را امن کنیم. اگر فضا برای زن‌ها امن‌تر شود، قدرت بیشتری پیدا می‌کنند که در فضای سلامت کار کنند.»

واکنش‌ها و دستاوردهای کمپین ۸۰۰ زن

در واکنش به بیانیه زنان سینماگر، خانه سینما، هرگونه خشونت به ویژه خشونت جنسی در سینما را محکوم و اعلام کرد که شورای صیانت خانه سینما مسئول رسیدگی به اتهامات مرتبط با خشونت رفتاری در سینماست. در مقابل زنان سینماگر امضاکننده بیانیه، ساختار خانه سینما را فاقد استقلال لازم دانسته و در رای‌گیری، پنج سینماگر زن را برای تشکیل کمیته مستقل پیگیری مطالبات بیانیه و رسیدگی به موارد خشونت و آزار علیه سینماگران زن انتخاب کردند.

از آنجایی که روند روایتگری واکنش‌های زیادی را برانگیخت، افرادی با استناد به اینکه روایت‌ها ممکن است با انگیزه انتقام‌گیری شخصی صورت گیرد، با آن مخالفت کردند و جهت حذف این مطالبه تلاش کردند.

نهادهای رسمی همچون خانه سینما هم از این جریان حمایت نکردند و مانع از امضای گسترده بیانیه و همگرایی زنان و سایر نیروهای موافق جامعه در این باره شدند.

آنان دقیقا از همان شیوه‌ها و ابزارهایی برای تحت فشار گذاشتن و بایکوت کردن بیانیه استفاده کردند که نسبت به آن اعتراض شده بود: خفه کردن صداها، تهدید کردن، مشروط کردن پروژه‌ها به سکوت در برابر بیانیه و در یک کلام استفاده از قدرت سیستماتیک برای مقابله با خواسته زنان.

کار به جایی رسید که یک تهیه‌کننده در رسانه‌ای رسمی با دروغ خواندن روایت‌ها، خواستار شلاق زدن زنان به جرم اشاعه فحشا شد!

از آنجایی که این کمپین، نوپاست و با توجه به خلاهای قانونی و مسائل فرهنگی، مسیری طولانی پیش رو دارد، هانیه توسلی در مصاحبه با روزنامه شرق گفت: «من به شدت احساس کردم رفتار عوامل پشت صحنه (آقایان) در سینما به شدت تغییر کرده است. حتی قبل از اینکه این بیانیه نوشته شود. درست از زمانی که روایت‌ها درآمد.»

دستاوردها، چالش‌ها و موانع

جنبش می‌تو یا من هم ایرانی کدام است؟

جنبش می‌تو در ایران با تاثیر از جنبشی با همین نام در آمریکا در سال ۱۳۹۹ در خصوص اتهام تجاوز کیوان امام‌وردی به صورت فراگیر گسترش یافت.

پس از آن اتهامات مشابهی در خصوص برخی چهره‌های سرشناس ایرانی از اصناف مختلف از جمله آیدین آغداشلو، محسن نامجو و ... صورت گرفت.

اگرچه در برخی موارد دادگاه احکامی درباره عاملین این تجاوزها صادر کرده است، اما عدم وجود قوانین کافی و دشواری اثبات وقوع زنای به عنف، از موانع اصلی محکومیت قضایی متجاوزان در ایران به شمار می‌رود.

همین امر باعث می‌شود که در صورت عدم اثبات جرم و نبود شواهد کافی، قربانی خود نیز در معرض اتهام رابطه نامشروع قرار گیرد.

علاوه بر تابوهای جامعه برای حفظ آبرو، قانون‌گذار هم حمایت کافی از این افراد را انجام نمی‌دهد.

همچنین حکم سنگین اعدام در صورت احراز جرم، یکی دیگر از چالش‌هایی است که موفقیت این جنبش را در زمینه حقوق بشر، تحت تاثیر قرار می‌دهد.

یکی دیگر از چالش‌های این جنبش، در مورد افرادی ست که مورد اتهام واقع می‌شوند. از آنجایی که اکثر این افراد از چهره‌های شاخص در حوزه‌های مختلف هستند، گروهی این تلاش‌ها را از جانب مخالفان آنان به هدف لکه دار کردن شهرت و نام این افراد می‌دانند و گاهی به سبب دستاوردهای دیگر نظیر هنر و ثروت این افراد، افکار عمومی در برابر پذیرش اتهامات مقاومت می‌کند.

عدم امکان راستی‌آزمایی همه افشاگری‌ها یکی دیگر از موانع گسترش این کمپین‌ها است. مطرح شدن ادعاهای غیرواقعی در کمپین‌هایی همچون می‌تو، می‌تواند اعتبار کمپین را زیر سوال ببرد و باعث شکست آن گردد.

برخی از افراد ممکن است با سواستفاده از کمپین و با انگیزه‌های شخصی، اقدام به انتشار مطالبی خلاف واقع کنند و راه را برای دادرسی عادلانه سخت‌تر نمایند.

انتقادات به جنبش

متأسفانه جنبش می‌تو نیز همچون بسیاری دیگر از جنبش‌های فراگیر پیش از خود دارای خصلت‌ها و نقاط ضعفی است که در صورت بی توجهی به آن‌ها می‌تواند بر ضد خود عمل کرده و به بازتولید نابرابری، حتی نابرابری جنسی و جنسیتی، منجر شود.

انحراف جنبش من هم از مسیر اصلی‌اش و دزدیده شدن توسط سلبریتی‌ها از جمله نقدهایی است که به جنبش من هم ایرانی همانند نسخهٔ جهانی‌اش وارد شده‌است. «سیما راستین»، روزنامه‌نگار، افشاگری‌های سلبریتی‌ها علیه یکدیگر را چرخه‌ای از رذالت‌ها می‌بیند که باعث می‌شود جنبش من هم به جای پرداختن به مباحث اجتماعی و شبکه‌سازی و تمرکز روی قشرهای پایین و ناآگاه اجتماع، بر مدار افشاگری، انتقام‌جویی، تحقیر، و فردگرایی بچرخد و منحرف شود.

یکی دیگر از انتقادات به «من‌هم» در مورد فقدان نگاه درهم‌تنیده (اینتر سکشنال) این جنبش نسبت به سایر ساختارهای نابرابر و همین‌طور دیگر اشکال نابرابری جنسی؛ در نبود نگاه درهم‌تنیده، جنبش «می‌تو» نه تنها هیچ‌گونه ارتباط ارگانیکی با سایر جنبش‌های برابری طلب محلی، ملی یا فراملی برقرار نکرده، بلکه با سایر جنبش‌های فمینیستی ضد خشونت جنسی، به عنوان مثال مبارزات مستقل تراجنسی، کارگران جنسی و یا جنبش سقط جنین، نیز هیچ‌گونه همبستگی و همراهی، دستکم در سطح عملی، نداشته است.

محبوبه عباسقلی‌زاده، محقق و فعال حقوق زنان، شروع شدن جنبش از اینترنت در عوض جوامع محلی، دشواری راستی‌آزمایی روایت‌های مطرح‌شده در شبکه‌های اجتماعی، و هیجان‌زده و پرهیاهو بودن آن را از جمله چالش‌های جنبش من هم ایران برشمرد و از آن طرف توجه جنبش به سیستم به جای پرداختن به اشخاص، یافتن روش‌هایی برای راستی‌آزمایی روایت‌ها، و تمرکز روی آموزش روایت‌گری و همدردی با آزاردیده و حتی عدالت‌ترمیمی برای آزارگر را از دستاوردهایش دانست. او محدود ماندن جنبش به جامعهٔ روشنفکری، عصبانی بودن آن، بی‌تجربگی در ارتباط با مراکز توانمندسازی، و نداشتن تجربهٔ کلینیکی را از نقدهای وارد به جنبش دانست.

لیندا گوردون، جامعه‌شناس و فعال حوزه زنان، در رابطه با کمپین‌های علیه آزار جنسی در کتاب خود با نام «سیاست آزار جنسی» می‌گوید: «اولین هدف ما افزایش آگاهی زنان در روابط اجتماعی و افزایش توانایی‌شان در دفاع جمعی از حقوق فردی یکدیگر است.»

اگر گفته خانم گوردون را بپذیریم، باید گفت جنبش می‌تو در ایران، به این هدف دست‌یافته است و با وجود تمام موانع، توانسته جامعه را نسبت به موضوع آزار و تجاوز جنسی، آگاه‌تر و حساس‌تر کند.

زنان ایرانی هر روز بیشتر به حقوق خود آگاه می‌شوند. با راه‌اندازی این کمپین‌ها هم هزینه ارتکاب چنین جرایمی را برای متجاوزین سنگین‌تر از گذشته کرده‌اند و هم جامعه مدنی را با حضوری پر رنگ‌تر، بیش از پیش تقویت نموده‌اند.

۱. خواهرانگی: اتحاد سیاسی میان زنان: بل هوکس

۲. سیاست آزار جنسی: لیندا گوردون

از

«جنبش من هم ایران»

چه می‌دانیم؟



همه‌مون
hamamoun